

ستایش نامه‌ای زردشتی به زبان پهلوی

«ستایش سی‌روزگ» یا سپاسداری، یکی از مت‌های دینی زردشتی به زبان پهلوی است که کمتر مورد توجه متخصصان و محققان زبان‌های ایرانی قرار گرفته است. این اثر که متن پازند آن نیز در دست است «ستایش نامه» ای است در سی بخش و در حدود پنج هزار و چند صد واژه. هر بخش این کتاب در ستایش یکی از ایزدانی است که نامش بر یکی از سی روز ماه زردشتیان نهاده شده. مانند بیشتر مت‌های پهلوی نویسنده و تاریخ این اثر معلوم نیست؛ اما از سبک و زبان آن می‌توان چنین حدس زد که این کتاب هم، چون بسیاری دیگر از آثار پهلوی، در فاصلهٔ قرن‌های نهم و دهم میلادی تصنیف و تدوین شده باشد.

تاکنون محققان بر این نظر بوده‌اند که این کتاب ترجمه‌ای است از یک ستایش نامه یا «نیایش» گمشده به زبان اوستایی متأخر و یا متن دیگری است از «سی‌روزه»؛ و بنابراین آن را جزئی از «زند خُرده اوستا» دانسته‌اند. این فرض بیشتر از آنجا پیش آمده که در دست‌نویسها اغلب متن پهلوی یا پازند «ستایش سی‌روزگ» در کنار دیگر ادعیهٔ زردشتیان قرار گرفته است. اما به عقیدهٔ نگارنده این نظر درست نمی‌تواند باشد، چه ترجمه‌های پهلوی آثار اوستایی که در مراسم مذهبی به کار می‌رود، مانند دو «سی‌روزه» و «نیایشها» و غیره، معمولاً تفاسیری را در بر دارند که در متن اوستایی آنها وجود ندارد و این موضوع در مورد متن مورد بحث صدق نمی‌کند و عبارتی که بتوان آن را تفسیر مضمون یا جمله یا واژه‌ای شناخت در آن دیده نمی‌شود.

دیگر آنکه اگر «ستایش سی‌روزگ» ترجمه‌ای از یک متن اوستایی بود، با در نظر گرفتن این حقیقت که این گونه آثار معمولاً در مراسم دینی قرائت و سینه به سینه منتقل می‌شوند، باید انتظار داشت که متن اوستایی آن هم بر جای مانده باشد.

همانطور که پیش از این اشارت رفت، به طور کلی ایران‌شناسان توجه شایسته‌ای نسبت به این اثر نکرده‌اند. متن کامل پهلوی «ستایش سی‌روزگ» نخستین بار توسط دهاهبهار بر اساس دو نسخه خطی موجود در هند، در آخرین بخش کتاب زند خرتک اوستاک در ۱۹۲۷ میلادی در بمبئی به چاپ رسید و ترجمه‌ای به زبان انگلیسی از آن نیز که به وسیله وی انجام گرفته بود، پس از مرگش در سال ۱۹۶۳ میلادی همراه با یادداشت‌هایی انتشار یافت.^۲ با اینکه دهاهبهار محقق ارجمند و درخور ستایش بود، اما بر ترجمه او از این متن خرده‌های بسیار وارد است.

متن پازند «ستایش سی‌روزگ» پیش از متن پهلوی آن بر اساس یک دستنویس کتابخانه ملافیروز در مجموعه متنتهای پازند به وسیله آنتیا در ۱۹۰۹ میلادی طبع شد.^۳ اروند پ. مسانی نیز در ۱۹۲۰ میلادی آوانویس گجراتی این ستایش‌نامه را بر اساس متن آنتیا همراه با ترجمه‌ای به زبان گجراتی انتشار داد.^۴

از میان پهلوی‌شناسان جهان غرب که بر روی بخش یا بخش‌هایی از این متن کار کرده‌اند می‌توان به ترتیب تقدم تاریخی از م. ی. مولر^۱، پی‌یر دومناش^۲ و زرنر^۳ نام برد. برای اولین بار م. ی. مولر در دهه سوم قرن نوزدهم نخستین شش ستایش این کتاب را به فارسی ترجمه کرد. ترجمه او که به چاپ نرسیده هم اکنون در میان دیگر دستنویسهای آثار زردشتی در کتابخانه شهر مونیخ محفوظ است. این ترجمه را مولر از روی رونوشتی که از نسخه خطی نیمه اول این متن در کتابخانه ملی پاریس برداشته، به عمل آورده است.

در این ترجمه، مولر به خواندن بسیاری از واژه‌ها توفیق نیافته و در نتیجه صورت پهلوی آنها را عیناً نوشته و در مقابل آن در حاشیه صفحات علامت سؤال گذاشته است. به قول بارتولومه ایران‌شناس گرانمایه و نامدار نخستین دهه‌های قرن حاضر، ترجمه مولر با اینکه خالی از اشکال نیست، اما با این حال نمودار آن است که او زبان و خط پهلوی را بهتر از دانشمندان دهه‌های آخر قرن نوزدهم می‌دانسته و درک می‌کرده.^۵

پس از مولر اولین کسی که در جهان غرب توجهی به متن «ستایش سی‌روزگ» کرده، پی‌یر دومناش استاد معاصر بزرگ زبان و ادب پهلوی است. دومناش در مقاله کوتاهی که به زبان آلمانی در بیست و چهارمین سالنامه موزه تاریخی شهر برن نوشته^۶، به معرفی یکی از دستنویسهای پازند این متن که تنها نسخه خطی نوشته‌های ایرانی در آن موزه است، پرداخته و

چند سطری از ابتدای بخش نهم متن مورد بحث را در ستایش آذر نیز به آلمانی برگردانده است. زتر هم در فصل سوم کتاب مفصل و باارزش خود «زروان»، بر اساس متن پهلوی دهاپهار، آوانویس و ترجمه‌ای از چهار بخش اول، هشتم، پانزدهم، بیست و سوم «ستایشن سی‌روزگ» را که به ترتیب در وصف و نیایش اوهرمزد و دو «دی» Day، یا دَدَو Dadv، و انفران Anafrān (تجلیات سه گانه اوهرمزد) است می‌دهد و از نقطه نظر خود در مورد آنها به بحث و تفسیر می‌پردازد^۷. او همچنین چند سطری از ابتدای ستایش مهر (بخش شانزدهم) و دو سه عبارتی از ستایش وای Vāy (بخش بیست و دوم) را آوانویسی و ترجمه می‌کند^۸.

با مراجعه به فهرست‌نامه‌های منتشرشده کتابخانه‌هایی که در آنها دستنویسهای آثار زردشتی نگهداری می‌شود، به این نتیجه می‌رسیم که از این ستایش‌نامه نسخ خطی فراوانی به چهار زبان پهلوی، پازند، گجراتی و فارسی وجود دارد. کترک یکی از دانشمندان پارسی هند در فهرست‌نامه بربرگی با عنوان گنجینه شرقی: شامل مشخصات فهرست‌وار بیش از یک‌هزار دستنویس به زبانهای ایرانی و هندی در کتابخانه‌های خصوصی پارسیان در مراکز گوناگون گجرات^۹ که در سال ۱۹۴۱ به چاپ رسانده، مشخصات دقیق سه متن پهلوی، یک دستنویس فارسی و یک نسخه گجراتی «ستایشن» را می‌دهد^{۱۰}. اما متأسفانه امروز در باره این نسخ هیچگونه آگاهی در دست نیست و حتی خود کترک از سرنوشت آنها بی‌اطلاع است^{۱۱}.

دهابهار نیز در «فهرست توصیفی دستنویسهای آثار زردشتی کتابخانه ملافیروز» (چاپ بمبئی - ۱۹۲۳)^{۱۲} از چهار دستنویس پهلوی، یک نسخه پازند و یک دستنویس فارسی متن مورد بحث نام می‌برد و مشخصات آنها را بیان می‌دارد^{۱۳}. او خود در چاپ متن پهلوی «ستایشن» از یکی از چهار دستنویس پهلوی این کتابخانه و نیز نسخه خطی دیگری با علامت اختصاری K استفاده کرده است^{۱۴}.

در کتابخانه‌های اروپایی نیز تعدادی دستنویس متن «ستایشن سی‌روزگ» موجود است که تمامی آنها مورد مطالعه دقیق نگارنده این سطور قرار گرفته است، و در اینجا مجملاً به شرح آنها می‌پردازم:

۱ - دستنویس کپنهاگ (K 24) شامل ۳۹ برگ به پهلوی. این نسخه که متن کامل «ستایشن» را در بر دارد، در هند تحریر و در اوایل قرن نوزدهم به اروپا برده شده و هنوز به چاپ نرسیده است.

۲ - نسخه خطی کتابخانه حکومتی هند در لندن که متن کامل پهلوی را در بر دارد و بخشی است از دستنویس بزرگتری که مجموعاً ۸۶ برگ دارد (L 26). تاریخ ختم تحریر این دستنویس روز هفدهم ماه دهم سال ۱۱۰۶ یزدگردی (۱۷۳۷ م.) داده شده است.

Handwritten text in a cursive script, likely Pahlavi or Old Persian, arranged in approximately 15 horizontal lines. The text is contained within a rectangular border.

Handwritten text at the bottom of the page, possibly a signature or a date, written in a similar cursive script.

• برگگی از همان ستایش در دستنویس کتابخانه حکومتی هند در لندن

L. 29

۳ - دستنویس موزه تاریخی شهر برن در سوئیس (با مشخصه Ps 103) به پازند. این نسخه که متأسفانه فقط ستایشهای سوم تا شانزدهم را به طور کامل و قطعاتی از ستایشهای اول و دوم را شامل است، ۳۷ ورق دارد و تنها دستنویس آثار ایرانی در آن موزه است. اهمیت این

نسخه از آن جهت است که در ایران نوشته شده و از کرمان به اروپا رفته و شاید بتوان با مطالعه دقیق آن به چگونگی قرائت خط پهلوی توسط زردشتیان ایران تا سده هیجدهم پی برد^{۱۵}.

۴ - نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به پهلوی که باز هم ناقص است و تنها ستایشهای اول تا شانزدهم را در بر دارد و بخشی از یک دستنویس بزرگتر (بلوشه 26, XXIX) می باشد که در اواخر قرن هیجدهم نوشته شده^{۱۶}. در این نسخه در پایان ستایش شانزدهم به خط فارسی عبارت «آخر کم است» آمده است.

۵ - دستنویس کتابخانه عمومی شهر مونیخ (به علامت M19 Müller 105) به خط مولر که رونوشتی است از نسخه پاریس؛ و نیز ترجمه فارسی مولر از شش ستایش این متن (با مشخصه، Müller 95 M10) که وصف آن در پیش گذشت.

۶ - در کتابخانه جان رای لندز^{۱۷} در منچستر نیز یک نسخه از متن مورد بحث وجود دارد (Parsi Ms 19) که تعدادی از ستایشها را به صورتی آمیخته از پهلوی و پازند شامل است. این نسخه که بنا بر قول وست در اواخر قرن هیجدهم از سورات به انگلستان برده شده^{۱۷}، بسیار مغلوط و خالی از استفاده است.

در همین کتابخانه یک برگ از یک دستنویس دیگر (به نشانه Parsi Ms 4) هم نگهداری می شود که در آن بخشی از ستایش ایزد ماه آمده است و بنا بر اظهار نظر وست^{۱۸} به خط محرر MH 6 می باشد.

همانطور که گفته شد سی ایزدی که در این کتاب مورد ستایش قرار گرفته اند، ایزدانی هستند که سی روزه ماه زردشتی با نام آنان مزین شده است. این ایزدان به ترتیب عبارتند از:

اوهرمزد، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسپندارمذ، خرداد، امرداد، دی به آذر، آذر، آبان، خورشید، ماه، تیشتر، گوشورون، دی به مهر، مهر، سروش، رشن، فروردین، بهرام، رام، وای، دی به دین، دین اهریشونگ، آشتاد، آسمان، زامیاد، مهرسپند و انگران.

به طور کلی مضمون هر دعای این اثر را می توان به سه بخش تقسیم کرد. نخست، ستایش و نیایش اوهرمزد و امشاسپندان. دوم، سپاسداری از اوهرمزد که ایزد مورد ستایش را برای سود رسانیدن مینوی و دنیوی آفریدگان آفریده است. در این قسمت معمولاً ویژگیهای مینوی و مادی هر ایزد بیان شده و مورد ستایش قرار گرفته است. در بخش سوم، یک بار دیگر اوهرمزد نیایش می شود و شخص دعاکننده، اوهرمزد را مخاطب قرار می دهد و از او می خواهد که پشتیبانی و کمک ایزد مورد بحث همچنان شامل حالش باشد تا او و خانواده اش بتوانند زندگی خوب و خوشی را داشته باشند و پس از مرگ هم راهی بهشت شوند.

یکی از جالبترین ویژگیهای این مجموعه از نظر محتوی آن است که بر طبیعت مادی

ایزدان و به ویژه امشاسپندان بیش از دیگر متنه‌های پهلوی تکیه شده است. در بیشتر ستایشها پس از بیان طبیعت دو گانه ایزد یا امشاسپند، سرشت مادی او به تفصیل توصیف شده است. به عنوان نمونه، برگردان چند سطر از ابتدای ستایش شهرپور را در اینجا می‌آوریم:

ستایم و ازبایم دادار اوهرمزد رای‌اومند و فره‌اومند و
امشاسپندان [را].

سپاسدارم از دادار به افزونی، خدای نیکی‌ده نیک،
داداری که از آن پس که تو [را]، ای شهرپور، مینوی خواسته و
سود و به زیستی که گیتی است (طبیعت مادیت) آبوخ سُست
Ayōxšust (فلز) است آفرید، دارایی مردم آن زر و سیم
ارجمند [شد] که با آن گیتی [را] ورزند و نیز آن آهن تیز
ابر کار که با آن زمین [را] ورزند و به آن دشمن را زنند...

نگارنده این سطور پس از بررسی و مطالعه همه دستنویسهای پهلوی و پازند «ستایش
سی روزگ» موجود در کتابخانه‌های اروپا و مقابله و ضبط دقیق موارد اختلاف آنها با چاپهای
دهابهار و انتیا، متنی انتقادی از این کتاب تهیه کرده است که هم اکنون همراه با آوانویس و
ترجمه و یادداشتهای لغوی و دستوری و واژه‌نامه‌ای کامل، آماده برای چاپ می‌باشد.

۱۳۵۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. M.I. Müller
2. P. de. Menasce
3. R.C. Zachner
4. John Rylands

یادداشتهای:

1. Zand - I - Khürtak Avistāk (Bombay, 1927) PP. 223 - 259
2. Translation of Zand - I - Khürtak Avistāk (Bombay, 1963)
3. Pazend Texts, Collected and Collated by E. K. Antia (Bombay. 1909), PP. 243 - 273

4. Pazand Prayer Series, no.2 (Bonbay, 1920) PP. 350 - 374 and 379 - 383.

5. Christian Bartholomae, Die Zend Handschriften der K. Hof - und Staatsbibliothek in München (Munich, 1915), P. 12

6. P. de Menasce. "Eine Pehlevi - Handschrift in Bernischen Historischen Museums" in Jahrbuch des Bernischen Historischen Museums in Bern, xx1 v th year.

7. R. C. Zaehner, Zurvan, a Zoroastrian Dilemma (Oxford, 1955), PP 197 - 199. and 216 - 217.

8. Ibid., P. 247 cand 236.

9. J.C Katrak, Oriental Treasures being Condensed Tabular Descriptive Statement of Over a thousand Manuscripts and of their Colophons Written in Iranian and Indian Languages and Lying in Private Libraries of Parsis in different Centres of Gujarat... (1941).

10. Katrak, OP. cit, P. 143,163,189,24, - 25, 145.

۱۱. نویسنده در حدود سه سال پیش نامه‌ای به آقای شاپورف. دسائی دبیر سازمان «پارسی پونچایت Parsi Punchayet Office» نوشت و از ایشان در مورد وضع حاضر نسخ خطی مذکور استفسار کرد. آقای دسائی در پاسخی که ارسال داشتند به نقل قول از آقای کترک نوشتند که ایشان در حدود پنجاه سال پیش این دستنویسها را بررسی کرده است و در حال حاضر هیچگونه اطلاعی از آنها ندارد. در کنگره مهرماه سال ۱۳۵۰ ایران‌شناسان جهان در شیراز هم فرصت ملاقات با آقای کترک دست داد و ایشان دوباره این نکته را تأیید کردند.

12. Dahabhar, Descriptive Catalogue of Some Manuscripts Bearing on Zoroastrianism... in the Mulla Feroze Library (Bombay, 1923).

13. Ibid. P. 31, 32 - 33, 36 - 37.

14. Zand - I - Khürtak Avestāk, p. 33.

15. De Menasce, OP. Cit.

16. Blochet, Catalogue des Manuscrits Mazdéens de la Bibliothéque Nationale (Besancon, 1900), p. 66.

17. E. W. West, "Pahlavi Literature" in GIP. Vol, 2, P. 108

18. Ibid.